

بیمه از نظر مدنی

«۱۴»

هر گاه وقوع حادثه نزدیک شود بیمه گذار باید برای جلوگیری از وقوع وسرایت و توسعه خسارت اقدامات لازم را در حدود متعارف بعمل آورد یعنی همان اقدامی را که برای حفظ مال بیمه نشده خود مینماید. جهت مال بیمه شده نیز سبذول دارد. در مرتبه اول باید از توجه خطر بمال و در مرتبه دوم از توسعه خسارت جلوگیری کند. این امر مطابق ماده ۱۵ قانون بیمه از وظائف بیمه گذار محسوب میشود چه قسمت اخیر صدر ماده مزبور میگوید:

«... در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن (بیمه گذار باید) - اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است بعمل آورد» و مخارجی را که او برای جلوگیری از وقوع حادثه و یا توسعه خسارت نموده است بپرفرض که اقداماتش مؤثر نگردد بعهدہ بیمه گر است و در این موضوع ماده مزبور مقرر میدارد:

«... مخارجیکه بیمه گذار برای جلوگیری از توسعه خسارت مینماید بپرفرض که منتج نتیجه نشود بعهدہ بیمه گر خواهد بود.»

و بالاخره بموجب قسمت آخر همین ماده «.. هر گاه بین طرفین در موضوع لزوم مخارج مزبوره یا تناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود حل اختلاف بحکم یا محکمه رجوع میشود.»

مثلاً در بیمه کالا جهت حمل و نقل از دریا هر گاه کشتی حامل معیوب و غیر قابل دریانوردی گردد بیمه گذار باید حتی الامکان در حفظ مال بیمه شده مجازات سریعانه نموده و یک کشتی دیگر پیدا کرده تا مال مزبور را بوسیله آن حمل نماید و مخارج بارگیری از کشتی اول بکشتی دوم بعهدہ بیمه گر میباشد که این قسمت ضمن وظائف بیمه گر بیان خواهد شد.

بالاخره بیمه گذار باید جهت حفظ منافع بیمه گر اسنادی را که بموجب آن مشارالیه میتواند اشخاص ثالثی را که سبب اضرار او شده اند تعقیب نماید حفظ کنند تا بیمه گر بتواند پس از جبران خسارت بیمه گذار در مقابل اشخاص ثالث در مقام ادعا برآمده جبران خسارت خود را بخواهد و این معنی از ماده ۳۰ قانون بیمه استفاده میشود

ماده ۳۰: «بیمه گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت میکند در مقابل اشخاص ثالث که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گر مسئول شناخته میشود.»

فقره سوم = مستحضر ساختن بیمه گر از وقوع حادثه

بیمه گذار باید در صورت بروز خطر پس از آنکه در مقام جلوگیری از آن وسرایت و توسعه خسارت برآمده و اقدامش مؤثر نشد بیمه گرا از وقوع حادثه مطلع نماید چنانکه ماده ۱۵ میگوید: « بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود مینماید نسبت بموضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از وسرایت و توسعه خسارت لازم است بعمل آورد - اولین زمان امکان منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه گرا مطلع سازد .. » قانون مبدأ مدت مزبور را تاریخ اطلاع بیمه گذار معین کرده و ممکن نبوده است که تاریخ وقوع حادثه را مناط قرار دهد و علت این امر اینستکه در بسیاری از موارد بیمه گذار در زمان وقوع حادثه مطلع نمیشود بلکه مدتی پس از آن از ماجرا مستحضر میگردد و مخصوصاً در مورد بیمه کشتی و کالا این امر خیلی پیش میاید و لذا مقنن تاریخ اطلاع یافتن بیمه گذار را مبدأ شروع این مرور زمان کوچک دانسته است و ضمانت اجرایی آن اینستکه اگر بیمه گذار در ظرف مدت مزبور بیمه گرا مطلع نکند مشروط بر اینکه علت این امر حوادث خارج از اختیار او نباشد بیمه گر مسئول نخواهد بود چنانکه ماده مزبور میگوید « . . . اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه گرا مطلع سازد والا بیمه گر مسئول نخواهد بود مگر اینکه بیمه گذار ثابت کند که بواسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع به بیمه گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است . . »

فقره چهارم = تأدیه حق بیمه

بالاخر بیمه گذار باید بیاس اینکه بیمه گر خطرات متوجه باورا بعهده میگیرد حق بیمه را که در حقیقت بهای آنست باو تأدیه نماید . این امر بقدری طبیعی و واضح است که مقنن خود را محتاج بدکر آن ندانسته چه در حقیقت از مقتضیات عقد بیمه و صفات طبیعی آن میباشد . ماده ۱ - قانون بیمه میگوید « بیمه عقدی است که بموجب آن یک طرف تعهد میکند که در ازاء پرداخت وجه یا جوهری از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معین بپردازد . بنابراین تأدیه حق بیمه از ارکان این قرارداد میباشد زیرا همین حق بیمه هائیکه بیمه گذاران میپردازند باید بمصرف جبران خسارت آنها برسد .

مقنن برای تأمین وصول حق بیمه مزیتی جهت بیمه گر نسبت بسایر طلبکاران بیمه گذار قائل شده و در ماده ۳۳ میگوید « بیمه گر نسبت بحق بیمه در مقابل هر گونه طلبکاری بر مال بیمه شده حق تقدم دارد - حتی اگر طلب سایرین بموجب سند رسمی باشد . » مقصود از سند رسمی مطابق توضیحی که مخبر کمیسیون در جواب ایراد آقای زوار در جلسه ۱۶/۲/۷ مجلس شورای ملی داده (۱) اسنادی است که در دفاتر اسناد رسمی

بیمه از نظر مدنی

ثبت شده و همچنین سایر اسنادیکه رسمیت یافته است مثل اینکه کسی در محکمه‌ای سندیرا تصدیق کرده باشد - بنابراین بیمه‌گر در مقابل سایر دیان بیمه‌گذار نسبت بموضوع بیمه حق رجحان و تعقیب دارد .

وظائفی که فوقاً ذکر شد برعهده بیمه‌گذار میباشد حال باید دید هر گاه بیمه‌گذار در اجراء وظائف قانونی مذکور مسامحه نماید تکلیف امر چه خواهد بود و یا بعبارت‌آخری باید دید ضمانت اجرائی احکام مزبور چیست .

عده‌ای از علماء حقوق معتقدند که در اینصورت بیمه‌گذار از حق جبران خسارت محروم میگردد ولی برخلاف عقیده عده دیگر و از جمله رویه قضائی فرانسه و قانون بیمه ایران اینستکه اولاً درموارد فسخ بیمه‌گر میتواند قرارداد را فسخ نماید و در صورتیکه بیمه‌گذار در نتیجه عمل خود خطریرا که بمناسبت آن بیمه منعقد است تشدید کند باید حق مطالبه را داشته باشد ولی در مقابل بیمه‌گر نیز حق دارد خسارتی که بر اثر مسامحه کاری بیمه‌گذار باو متوجه گردیده است مطالبه نماید و این معنی از عبارت مذکور در ماده ۱۶ برمیآید چه ماده مزبور میگوید « . . . بیمه‌گر حق دارد . . . اگر تشدید خطر در نتیجه عمل خود بیمه‌گذار باشد خسارت وارده را نیز از مجرای محاکم عمومی از او مطالبه کند . . . » بدیهی است که اگر در این مورد هم بیمه قابل فسخ یا ابطال بود خسارتی به بیمه‌گر وارد نیامد و اینکه ماده میگوید « خسارت وارده را » معلوم میشود که مقنن فرض میکند بیمه‌گر در نتیجه عمل بیمه‌گذار در تشدید خطر متضرر گردیده است و این ضرر وقتی ممکن است که بیمه‌گر جبران خسارت بیمه‌گذار را کرده باشد منتها چون خطر تشدید شده خسارت زیاده‌تر گردیده است و بمقدار زیادی خسارت که بیمه‌گذار سبب بوده است مسئول میباشد و بالاخره در این مورد میگویند این دو جبران خسارت طرفین تا حدی که تکافو میکند قابل تهاتر میباشد .

در اینجا باید این نکته گفته شود که هر گاه موضوع بیمه بدیگری منتقل شود عیناً این وظائف با انتقال آن بعهده منتقل الیه محول میگردد و هر گاه منتقل الیه متعدد باشد هر یک از آنها نسبت بتمام وجه بیمه شده در مقابل بیمه‌گر مسئول خواهد بود .

قسمت سوم ماده ۱۷ مقرر میدارد :

« اگر ورثه یا منتقل الیه متعدد باشند هر یک از آنها نسبت بتمام وجه بیمه شده در مقابل بیمه‌گر مسئول خواهد بود » .

مبحث دوم

حق بیمه

حق بیمه در غالب نزدیک بتمام موارد بیول معین میشود و گاهی ممکن است که بیمه‌گذار در عوض پرداخت وجه از یک حق مالی خود که بعهده بیمه‌گر است صرف نظر کند و در حقیقت این طلب خود را بادینی که بابت حق بیمه دارد احتساب مینماید . مثلاً هر گاه دولت کشتی را برای حمل و نقل مالی اجاره کند بدیهی است که باید بابت

بیمه از نظر مدنی

مال الاجاره وجهی بمالک آن پردازد حال اگر دولت خطرات ناشیه از جنگ را نسبت باین کشتی بعهده بگیرد یعنی مالک مزبور کشتی خود را در مقابل خطر جنگ بدولت (بیمه گر) بیمه دهد واضح است که باید بابت حق بیمه مبلغی بدولت تأدیه کند در اینصورت مالک کشتی طلب و دین خود را احتساب کرده مازاد مال الاجاره را دریافت میکند یعنی در عوض بیمه از مقداری از طلب خود صرفنظر مینماید - اینست که این نوع حق بیمه بگذشت مالی تعبیر میشود.

بهر حال میزان حق بیمه را قرارداد طرفین معین میکند و تعیین میزان این مبلغ مبتنی بر احتمالاتی است که بیمه گر نسبت باوضاع و احوال موضوع بیمه و خطر متصوره در نظر گرفته است و از طرف دیگر نسبت بمبلغ بیمه شده و مدت بیمه تغییر میکند.

تعیین تعرفه حق بیمه یکی از مسائل غامضه و بغرنج بیمه میباشد چه از طرفی باید محاسبات احتمالی که بیمه گر برای برقراری تعرفه میکند حتی الامکان نزدیک بواقع باشد و از طرف دیگر از تعرفه های بیمه ای که در سایر شرکتها مقرر شده تجاوز ننماید تا مشتری داشته باشد.

چون بحث در این موضوع دامنه وسیع داشته و مخصوصاً اینکه از بحث حقوق خارج و وارد علوم دیگر میشود از ذکر آن صرفنظر میگردد.

بالاخره میزان حق بیمه ممکن است بطور وضوح معین شده باشد مثلاً بفلان مبلغ و یا اینکه بنسبت قیمت موضوع بیمه برقرار گردد مثل اینکه بگویند حق بیمه عبارت است از چند درصد قیمت موضوع بیمه در هر دو صورت ممکن است قرارداد شود که حق بیمه دفعه^۱ یا با قسط در ظرف مدت بیمه تأدیه گردد.

در هر حال و بهتر تریبی که حق بیمه و طرز تأدیه آن برقرار شده باشد بیمه گذار باید آنرا از موقعیکه موضوع بیمه در معرض خطر مورد بیمه واقع میشود پردازد. اینست که میگویند در بیمه های زمانی اگر تأدیه حق بیمه بطور اقساط تعیین شده باشد بمحض اینکه زمان خطر شروع گردد حق بیمه مربوط بان زمان حال میگردد یعنی بیمه گذار باید تمام وجه بیمه مربوط بان زمان را تأدیه نماید اگرچه مدت مربوطه بان قسط تمام نشده باشد و لذا میگویند حق بیمه غیر قابل تجزیه است (La prime est indivisible) بیمه در صورت نیست دیده شود که آیا قاعده غیر قابل بودن حق بیمه یک حق مطلق است یا نه یعنی آیا باید در تمام مورد اجرا گردد یا خیر؟

نتیجه این بحث در مورد فسخ و بطلان قرارداد دارای اهمیت زیاد است چه اگر فرض شود که حق بیمه ای از قرار ماهی ۳۰۰ ریال تعیین گردیده باشد و در روز اول ماه بیمه گذار حق بیمه را پرداخته و سه روز پس از آن یعنی در روز چهارم ماه معامله فسخ یا باطل شده باشد آیا بیمه گر باید ۴۰ ریال از مبلغ مزبور را برداشته و بقیه را که ۲۶۰ ریال است به بیمه گذار مسترد دارد یا اینکه شروع مدت خطر را صرفاً موجب حال شدن تمام قسط مربوط بان مدت بدانیم چنانکه این امر موجب مسئولیت بیمه گر میباشد. بسیاری از علماء حقوق معتقدند که بمحض اینکه زمان خطر شروع شد باید

بیمه گذار تمام حق بیمه مربوط بان زمان را تأدیه کند ولی رویه دیوان تمیز فرانسه در رأی مورخ ۶ ژوئن ۱۹۲۶ برخلاف این عقیده میباشد و دیوان مزبور در رأی خود چنین اظهار سیماید :

«درموتعی این امر برفع بیمه گر تصدیق میشود که بطلان بیمه منتسب به بیمه گذار باشد خواه اینکه مشارالیه شرایط خطراً تغییر داده یا اینکه خسارت حاصله ناشی از عمل او باشد .»

قانون بیمه ایران در این مورد حکمی بیان نکرده است ولی برای تعیین تکلیف امر از طرفی میتوان اینطور استدلال کرد که ماده ۱۲ که یکی از موارد بطلان عقد را بیان میکند میگوید :

«... در اینصورت نه فقط وجوهی را که بیمه گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است از بیمه گذار مطالبه کند .» از جمله « که تا آن تاریخ عقب افتاده نیز از بیمه گذار مطالبه کند .» چنین استفاده میشود که بیمه گذار باید حق بیمه را تا روز بطلان بپردازد .

بنابراین ظاهر قانون بیمه برخلاف قاعده غیر قابل تجزیه بودن حق بیمه است و لذا اگر حق بیمه ماهی ۳۰۰ ریال مقرر گردیده و در روز چهارم ماه بیمه باطل شده باشد بیمه گر حق مطالبه ۴۰ ریال از بابت آن ماه بعلاوه اقساط عقب افتاده را خواهد داشت از طرف دیگر در مقابل این استدلال میتوان چنین گفت که عبارت مزبور کافی نیست برای اینکه بیمه گر را از بقیه حق بیمه مدت شروع شده محروم نماید و مخصوصاً اگر فرض شود که هرگاه بیمه باطل نمیشد و در همان روز حادثه مورد بیمه اتفاق میافتاد مشارالیه ملزم بتأدیه تمام غرامت بیمه گذار بوده و نمیتوانست ادعا کند که تعهد برای تمام مدت بوده است و بنابراین خسارت حاصله را نسبت بمدت گذشته تأدیه کرده و بقیه آنرا روز بروز بپردازد و بعلاوه هرگاه فرض شود که حق بیمه بطور اقساط تعیین نشده بود بلکه دفعتاً تأدیه گردیده بود و بعداً عقد باطل میشد مشارالیه وجه مأخوذی را رد نمیکرد زیرا ماده میگوید :

«... در اینصورت نه فقط وجوهی را که بیمه گذار پرداخته قابل استرداد نیست بلکه...» و مطابق ماده فوق در این مثال مقنن غیر قابل تجزیه بودن حق بیمه را قبول کرده است و اصلی را که مقنن بر قرار نموده نباید نسبت بقسط بندی تغییر کند یعنی بیمه گری که مراعات حال بیمه گذار را نموده و وجهی را که او باید دفعتاً بپردازد قبول کرده است که بطور اقساط دریافت بنماید از این عمل خیر و ارفاق خود متضرر گردد . و اگر چنین مقرر شود که هیچگاه بیمه گر حاضر باین ارفاق نخواهد شد و همیشه حق بیمه را کلاً درابتداء قرارداد دریافت خواهد کرد .

بهر حال چون قضیه تا حدی نظری است باید دید رویه قضائی دیوانعالی تمیز در این مورد چه خواهد بود و مادام که قانون در این باب ساکت است آنرا متبع دانست .

بیمه از نظر مدنی

ولی بفرض اینکه قاعده غیر قابل تجزیه بودن حق بیمه را قبول کنیم باید در بعضی موارد استثنائی آنرا قابل تجزیه بدانیم مثلاً در مورد بیمه حمل و نقل غالباً متصدی حمل و نقل که میخواهد فلان مقدار متاع را حمل نموده بمقصد برساند و از آنجا نیز کالائی برگرداند مجموع امتعه‌ای را که باید ببرد و برگرداند نزد بیمه گر به بیمه میدهد و یک حق بیمه واحد نیز میپردازد حال اگر کشتی حامل در موقع برگشتن خالی برگردد یا نقض مقداری از باری را که بایستی بیاورد باربندی کند و دیده میشود که تمام یا قسمتی از موضوع بیمه در معرض خطر واقع نشده است و لذا باید بیمه گذار حق تقاضای بازگشت (Ristourne) مقداری از حق بیمه را داشته باشد قانون تجارت فرانسه این حکم را در مورد کالا قبول کرده و میگوید بیمه گذار میتواند تنزل حق بیمه را تا $\frac{1}{3}$ تقاضا کند مثلاً اگر حق بیمه برای بردن و آوردن کالا ۶۰۰۰ ریال تعیین شده باشد و حال آنکه کشتی در موقع برگشتن فقط نصف موضوع بیمه را آورده است بجای اینکه ۱۵۰۰ از حق بیمه کسر شود فقط ۱۰۰۰ ریال کسر میگردد (یعنی ثلث ۳۰۰ ریال حق بیمه برگشتی است).

قانون مزبور این طریقه را در مورد بیمه کشتی قبول نکرده یعنی میگوید اگر کشتی برای رفتن و برگشتن بیمه شده باشد و کشتی برگردد بیمه گذار حق تقاضای تنزل حق بیمه را نخواهد داشت.

بالاخره طریقه تأدیه حق بیمه و موعد پرداخت آنرا قرارداد طرفین معین میکند و گاهی ممکن است قرارداد تأدیه آنرا شرط لزوم عقد قرارداد.

سابقاً در ممالکی که بیمه رواج داشت و مخصوصاً در فرانسه اینطور معمول بوده که حق بیمه بلا فاصله بعد از امضاء قرارداد تماماً پرداخت میشد ولی امروز در غالب و بلکه در تمام ممالک حق بیمه را بیمه گذار بطور اقساط تأدیه میکند.

قانون بیمه ایران طرز پرداخت و موعد تأدیه را معین نکرده و بعهده قرارداد طرفین گذاشته است و لذا بیمه گذار باید حق بیمه را مطابق مقررات بیمه نامه تأدیه نماید و در صورتیکه از پرداخت آن امتناع نماید بیمه گر حق خواهد داشت از محکمه تقاضای الزام او را بپرداخت وجه مزبور بنماید.